



مطالعه و طبقه‌بندی معماری صخره‌ای آئینی-مذهبی شهرستان مراغه

I سعید ستارنژاد^I

II بهروز عمرانی^{II}

III حسین ناصری صومعه^{III}

IV سید مهدی حسینی نیا^{IV}

(صص: ۱۶۷-۱۵۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۴

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.11.153

چکیده

یکی از انواع اصلی آثار صخره‌ای، فضاهای دستکند آئینی-مذهبی است. این فضاهای دستکند از دیرباز مورد توجه، تقدس و احترام گروه‌های اجتماعی متدین و پایبند به آموزه‌های دینی بوده است. از این منظر می‌توان گفت منطقه مراغه یکی از کانون‌های فوق‌العاده مهم، غنی و دیرپای معماری آئینی-مذهبی در تاریخ و فرهنگ ایران بوده است. در عصری که فضاهای دستکند آئینی در بسیاری از مناطق، رونق آئینی و قوت قدسی تأثیرگذار خود را از دست داده است، برخی از فضاهای دستکند آئینی-مذهبی در مراغه همچنان حضور فعال و پررنگ دارد. بر همین اساس این پژوهش ضمن شناسایی، معرفی و تبیین ویژگی‌های خاص فضاهای دستکند آئینی-مذهبی این منطقه، به عامل شکل‌گیری این فضاهای آئینی نیز پرداخته است؛ بنابراین در کنار روش میدانی جهت ثبت، ضبط و توضیح وضعیت کنونی، از مطالعات اسنادی برای شناخت عامل شکل‌گیری معماری آئینی-مذهبی شهرستان مراغه استفاده گردید. انجام این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادی است که، فضاهای دستکند آئینی-مذهبی در مراغه به چند گونه تقسیم می‌شوند؟ نتایج بررسی‌های انجام‌شده، حاکی از شناسایی تعداد ۸ اثر صخره‌ای آئینی-مذهبی در شهرستان مراغه است. معماری‌های صخره‌ای فوق از منظر ریخت‌شناسی در قالب‌های سطحی و زیرسطحی قابل دسته‌بندی هستند. همچنین از لحاظ گونه‌شناختی و تقسیم‌بندی ماهیت کاربری دارای استفاده‌های مختلفی است، از جمله: الف) مسجد، ب) خانقاه، پ) کلیسا، ت) معبد بودایی، ث) نیایشگاه روباز، ج) گوردخمه، چ) قبور صخره‌ای. هم‌اکنون بسیاری از این محوطه‌ها دچار ویرانی شده، با وجود این برخی از فضاها، جایگاه قدسی خود را حفظ نموده و با تغییراتی مورد استفاده‌اند.

کلیدواژگان: مراغه، معماری صخره‌ای، گوردخمه، قبور صخره‌ای.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).
saeidsattarnejad@yahoo.com

II. دانشیار گروه پیش‌ازتاریخ، پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

III. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

IV. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مقدمه

شهرستان مراغه در پهنه جغرافیایی شمال غرب ایران در استان آذربایجان شرقی، بر دامنه جنوبی کوه سهند قرار گرفته است. براساس تقسیمات کشوری، شهرستان مراغه دارای دو بخش (مرکزی و سراجو) و شش دهستان است. شهرستان مراغه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، نواحی شمالی شهرستان به صورت کوهستانی و نواحی مرکزی و جنوبی آن دشتی و جلگه‌ای است (خاماچی، ۱۳۷۰: ۴۵۹). توده کوهستانی سهند از مهم‌ترین عوارض توپوگرافیک شهرستان محسوب می‌شود که دامنه‌های جنوبی این کوهستان پیکربندی بخش عمده‌ای از شهرستان را تشکیل می‌دهد. شیب عمومی زمین در این شهرستان از شمال به جنوب بوده و سه رودخانه لیلان چای، موردی چای و صوفی چای از رودخانه‌های مهم تأمین‌کننده آب موردنیاز منطقه هستند (مروارید، ۱۳۶۰: ۱۲).

در شهرستان مراغه آثار تاریخی متعددی از دوره‌های مختلف باقی مانده که ماهیت کاربری تعدادی از آن‌ها به صورت فضاهای دستکند آئینی-مذهبی است. فضاهای دستکند آئینی-مذهبی در مراغه به طور آخص و دیگر مناطق به طور آعم، بنا به شواهد موجود از دیرباز مورد توجه، تقدس و احترام گروه‌های اجتماعی بوده است؛ بنابراین در این مقاله کوشش شده با استفاده از رویکرد باستان‌شناسی فضایی و بررسی‌های باستان‌شناختی پس از معرفی فضاهای دستکند آئینی به تشریح عامل شکل‌گیری، تحلیل ماهیت کاربری فضاها و دوره استفاده آن پرداخته شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش: صخره‌ای و غار بودن فضاهای نیایشگاهی و محدودیت مطالعاتی فضاهای دستکند آئینی-مذهبی در ایران باعث شده تا هر فضای دستکند مذهبی با آئین مهرپرستی مرتبط گرفته شود، این درحالی است که کمتر شواهدی از آئین مهرپرستی در این فضاهای قدسی شناسایی گردیده است. بر همین اساس با انجام مطالعات معماری دستکند آئینی-مذهبی در شهرستان مراغه، می‌توان طبقه‌بندی جامعی از این نوع معماری ارائه نمود و سیمای کلی و ماهیت فضاهایی آن‌ها را در این منطقه مشخص کرد. هدف از این پژوهش، مطالعه و تحلیل گونه‌شناسی فضاهای دستکند مذکور است.

پرسش و فرضیه پژوهش: انجام این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادی است که، فضاهای دستکند آئینی-مذهبی در مراغه به چند گونه تقسیم می‌شوند؟ برهمین اساس فرضیه‌ها عبارتند از: فضاهای آئینی-مذهبی مراغه در دو دوره شکل گرفته‌اند؛ دوره اول، مربوط به دوران پیش از اسلام بوده که متأثر از فرهنگ اورارتو است. دوره دوم، مربوط به دوران اسلامی است. در دوران اسلامی بیشترین تأثیر در شکل‌یابی این فضاها، نفوذ باورهای از فرهنگ‌های شرقی به خصوص بودایی و مسیحی است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و براساس بازدیدهای میدانی است که از تعداد زیادی از فضاهای دستکند در نقاط مختلف شهرستان مراغه به دست آمده است.

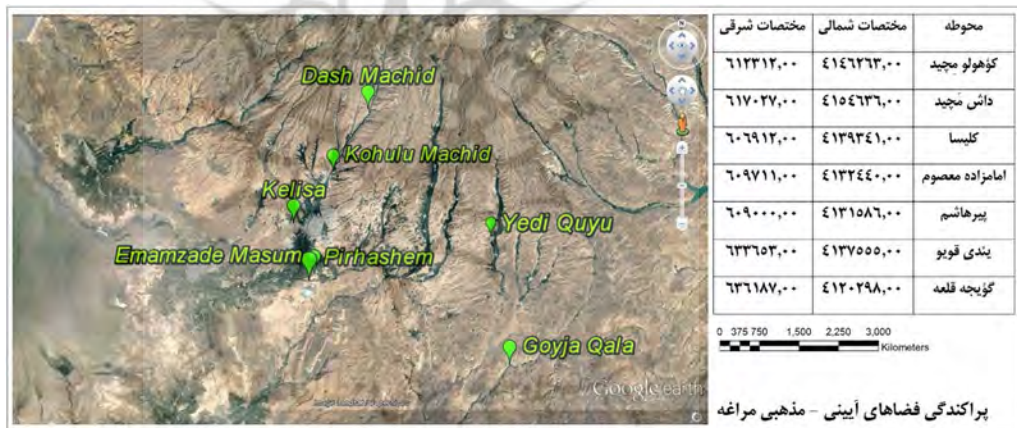
معماری صخره‌ای مراغه

فضاهای دستکند گونه خاصی از معماری است که در آن هیچ مصالحی برای تولید فضا استفاده نمی‌شود و با زدودن توده‌های صخره‌ای توسط انسان از بستر کوه و سنگ، فضا ایجاد می‌شود (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰). این معماری در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های است (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۹۸)، بر همین اساس هر بنای دستکند براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸) و مطابق با نیازهای ساکنان شکل می‌گیرد (Emge, 1992: 4).

گاهی آثار معماری دستکند و صخره‌ای با جنبه‌های اعتقادی و دینی بشر پیوند عمیق می‌یابد.

از علل مهم تمایل انسان در مکاتب مختلف بر معماری صخره‌ای، ساختار دینی و مذهبی جامعه بود که روی آوردن به صخره‌ها و کوهستان‌ها را ایجاب می‌نمود (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). این مکان‌های قدسی به صورت معابد صخره‌ای و غاری شکل گرفته‌اند (316: 2008 Davies & Jokiniemi).

آثار دست‌ساز صخره‌ای در مراغه از تعداد و تنوع نسبتاً زیاد برخوردار است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶). این معماری در این ناحیه همچون دیگر مناطق دنیا، تابع جغرافیای زیستی، شرایط حاکم و براساس نیازهای ساکنان منطقه در طول تاریخ ایجاد شده است. با وجود این، تاکنون هیچ‌گونه مطالعاتی از نوع باستان‌سنجی و کاوش باستان‌شناسی جهت گاه‌نگاری این‌گونه معماری در شهرستان مراغه انجام نشده است؛ بر همین اساس پژوهشگران پیشینه معماری صخره‌ای مراغه را عموماً براساس سبک‌شناسی نمونه گوردخمه‌های اورارتویی و مانایی موجود در منطقه مربوط به هزاره اول قبل از میلاد می‌دانند (Konyar, 2011: 207). در مطالعات باستان‌شناختی صورت‌گرفته پیرامون فضاهای دست‌ساز این شهرستان (ر. ک. به: ستارنژاد، ۱۳۹۵)، حدود ۳۰ محوطه دست‌ساز با کاربری و گاه‌نگاری‌های مختلف شناسایی و معرفی شده است. در بین آثار صخره‌ای شناسایی شده، فضاهای آئینی-مذهبی جایگاه مهم در مطالعات معماری دست‌ساز این منطقه دارد (نقشه ۱). این فضاها عموماً دارای ویژگی و عناصر خاص از قبیل محراب، کتیبه، سکوی نیایش، محل تدفین و نام‌جای (مقدس) هستند که از این نظر با سایر گونه‌های صخره‌ای منطقه قابل مقایسه است.



نقشه ۱. موقعیت معماری صخره‌ای آئینی-مذهبی مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نقش مذهب در شکل‌گیری معماری صخره‌ای

بخش بزرگی از معماری‌های صخره‌ای، کاربری آئینی و مذهبی دارند و مربوط به تاریخ ادیان است (زهبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵)؛ بنابراین یکی از عوامل مهم تمایل انسان در مکاتب مختلف بر معماری صخره‌ای، ساختار دینی و مذهبی جامعه بوده که روی آوردن به صخره‌ها و کوهستان‌ها را ایجاب می‌نموده است (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). بر همین اساس فضاهای صخره‌ای در برخی دوره‌ها همچون اورارتو، مانا، ماد، هخامنشی و غیره مورد استفاده اقلیت‌های دینی و یا پیروان مذاهب قرار می‌گرفتند. ویژگی‌های منحصر به فرد این فضاها (محراب، سکوی نیایش، کتیبه و نام‌جای)، سکوت و آرامش حاکم بر آن‌ها، تاریکی و ابهام مسلط بر فضا و وجود اعتقاداتی مبنی بر ارتباط فضاهای زیرزمینی با مبدأ آفرینش، فضای مقدسی را شکل می‌داد که پیروان ادیان مختلف را به این مکان‌ها جلب می‌کرد (اشرفی، ۱۳۹۰: ۳۸). برای بودایی‌ها (Higuchi & Barnes, 1995)، فرقه اشکفتیه و صوفیان (کیانی، ۱۳۶۹: ۸۶)، مسیحیان (2010 Öztürk)، مانویان (هوشان، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۹) در حکم نیایشگاه و گاهی در مقام گورمعبد، مانند

پالمیران در جزیره خارک (سرفراز، ۱۳۵۵: ۵۴) کاربرد داشته است. در برخی از مذاهب و فرهنگ‌ها، این‌گونه معماری کاربری تدفین داشته است؛ برای مثال، می‌توان به اورارتوها (Van Hulsteyn, 1981)، مانایی‌ها (ملزاده، ۱۳۸۳: ۳۱۰)، ایلیمایان (مرادی‌نوروزی، ۱۳۹۲: ۲۶۵ و ۴۴۷)، هخامنشی و فراهخامنشی (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۷۸) و سایر ادیان و مذاهب اشاره نمود.

نخستین نمونه‌های معماری آئینی در شهرستان مراغه را می‌توان با کاربری تدفینی شامل قبور و گوردخمه‌های مربوط به هزاره اول قبل از میلاد دانست، از جمله گوردخمه گویجه قلعه (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳) است. نوع معماری دستکند آئینی در دوره تاریخی در محوطه پیرهاشم (ستارنژاد و پروین، ۱۳۹۶) و دوره اسلامی در محوطه تپه رصدخانه (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۲)، قبرستان محوطه پیرهاشم، قبرستان روستای ورجوی و اکبرآباد ادامه می‌یابد. این نوع معماری در دوره اسلامی با ورود ادیانی همچون مسیحیت، بودایی و گسترش تصوف و آداب خانقاهی در قالب پرستشگاه‌ها شکل گرفت. برخی از این فضاهای نیایشگاهی در دوره اصلاحات مذهبی حاکمان ایلخانی تغییر کاربری داده و جای خود را به نیایشگاه‌های اسلامی با موجودیت مسجد، خانقاه یا زیارتگاه اولیای معصوم می‌دهد که تا به امروز در عنوان اولیای ملامعصوم مراغه‌ای و داش‌مچید^۱ به موجودیت آئینی-مذهبی خود ادامه داده است.

ویژگی‌های معماری صخره‌ای آئینی-مذهبی شهرستان مراغه

با وجود شباهت‌های اندک بین فضاهای صخره‌ای شهرستان مراغه، می‌توان گفت نیایشگاه‌های صخره‌ای آئینی-مذهبی این منطقه دارای برخی ویژگی‌های مشترک و تا حدی متمایز از دیگر گونه‌های صخره‌ای است؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

(۱) عمده معماری صخره‌ای آئینی-مذهبی، فضاهای قدسی است؛ که با اسامی همچون مسجد، امام‌زاده و اولیاء شناخته می‌شوند، مانند نیایشگاه داش‌مچید، کوهولو مچید، اولیای امام‌زاده معصوم.

(۲) فضاهای آئینی-مذهبی منطقه دارای عناصر آئینی همچون محراب و سکوی نیایش است. محراب‌های صخره‌ای متناسب با ماهیت کاربری فضا به سمت جنوب یا غرب ایجاد شده‌اند. محراب‌های مذکور عمدتاً کم‌ارتفاع بوده و از عمق و عرض کمتری برخوردارند. در برخی از فضاها مانند نیایشگاه امام‌زاده معصوم، محراب مزین به کتیبه قرآنی است.

(۳) فضاهای نیایشگاهی دارای طاقچه‌های دستکند با عمق کم بوده و عموماً جنبه تزئینی و آئینی دارند، گاه فرم عناصر تزئینی طاقچه‌ها متفاوت از طاقچه‌های معمولی است.

(۴) نیایشگاه‌های دستکند عموماً فضاهای تاریک بوده و قسمتی با عنوان چله‌خانه در داخل آن ایجاد شده است؛ مانند چله‌خانه نیایشگاه امام‌زاده معصوم مراغه‌ای.

(۵) روشنایی داخل این فضاها عموماً به وسیله پیه‌سوز و بعضاً منفذهای ایجادشده در سقف تأمین می‌شود.

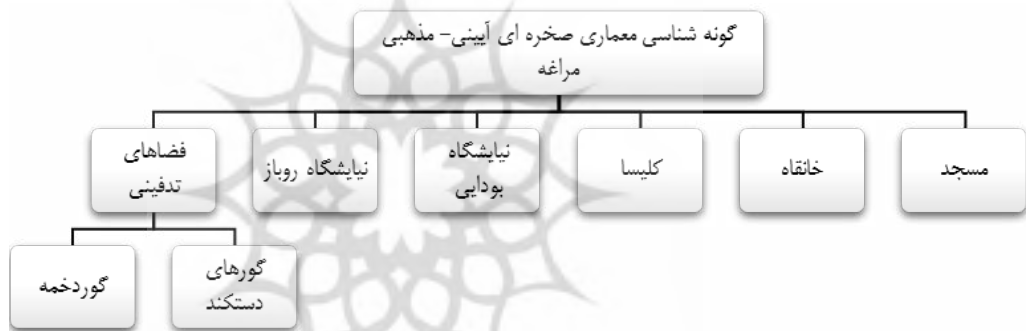
(۶) سطح دیواره و پوشش برخی از فضاهای نیایشگاهی، آثاری از دودزدگی و سیاهی دیده می‌شود که نشانگر تغییرات و اصلاحات مذهبی در دوران مختلف تاریخی از جمله دوره ایلخانی است؛ مانند امام‌زاده معصوم، کلیسای رصدخانه و نیایشگاه کوهولو مچید.

فضاهای دستکند تدفینی عموماً در کنار فضاهای نیایشگاهی ایجاد شده‌اند. این قبور از نظر ماهیت اشخاص متوفی با پیروان نیایشگاه‌ها ارتباط دارند، به طوری که در دوره اسلامی با شکل‌گیری اماکن مذهبی، مانند خانقاه و اولیا، قبرستان‌های مرتبط با پیروان و مریدان ساکن این فضاها ایجاد شده است؛ مانند قبرستان تاریخی اوحدی مراغه‌ای، قبرستان شیخ‌بابا، قبرستان ملامعزالدین مراغه‌ای و قبرستان امام‌زاده معصوم ورجوی که مجاور فضاهای خانقاهی

و اماکن مقدس شکل گرفته‌اند. این قبور عموماً پس از قرون میانی اسلامی ایجاد شده‌اند و دارای سنگ قبرهای مزین به نقوش و خطوط اسلامی هستند، همچنین فضاهای تدفینی دستکند پیش از اسلام بیشتر داخل قلعه‌ها و محوطه‌های پیرامون قلعه‌ها شکل گرفته‌اند، مانند گوردخمه صخره‌ای گوئیجه قلعه که در فراز یک قلعه تاریخی مربوط به هزاره اول قبل از میلاد ایجاد شده است (Kleiss, 1973).

گونه‌شناسی فضاهای صخره‌ای آئینی-مذهبی شهرستان مراغه

شهرستان مراغه از نظر معماری دستکند از مناطق مهم شمال غرب ایران است. معماری صخره‌ای در این منطقه از تنوع و غنای بسیاری برخوردار است و گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود. معماری دستکند آئینی-مذهبی این منطقه را می‌توان از نظر ماهیت کاربردی به ۶ گونه مجزا تقسیم‌بندی نمود، در حالی که ممکن است برخی از کاربری‌ها به واسطه تغییر باورها و سیاست‌های هر دوره تغییر نموده و ماهیت اولیه خود را از دست داده باشد. گونه‌های فوق عبارتند از: (۱) مساجد صخره‌ای، (۲) خانقاه و اولیای صخره‌ای، (۳) کلیسای صخره‌ای، (۴) نیایشگاه بودایی، (۵) نیایشگاه روباز صخره‌ای، (۶) فضاهای تدفینی در قالب گوردخمه، قبور صخره‌ای (تصویر ۱).



تصویر ۱. گونه‌شناسی معماری صخره‌ای آئینی-مذهبی منطقه مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

معماری صخره‌ای با کاربری مسجد

مسجد به طور قطع بنای مذهبی اصلی اسلام است، که از بین کارکردهای متعدد آن، والاتر از همه، کارکرد عبادت جمعی آن است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۳۱). با توسعه تمدن اسلامی، مسجد جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر سرزمین‌های اسلامی باز کرد؛ به طوری که در هر شهر و روستا مسجد وجود داشت. در روستاهای دستکند، مساجد صخره‌ای شاخص‌ترین عناصر در گونه معماری آئینی هستند. برخی از نمونه‌های جالب توجه مساجد صخره‌ای عبارتند از: مسجد صخره‌ای داراب، مسجد صخره‌ای ایج، چراغیل، مجارشین، کندوان و مزار. این مساجد صخره‌ای در داخل بافت روستا ایجاد شده و همجواری نزدیک با منازل روستاییان دارد، از جمله ویژگی‌های این مساجد، تداوم استفاده از آن‌هاست؛ به طوری که برخی از آن‌ها به هر شکل و با افزودن الحاقات و تعمیرات با مصالح جدید تا به امروز به حیات خود ادامه داده‌اند (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰)، مانند مسجد صخره‌ای روستای صومعه‌آشان (دانش‌مچید) که در ایام محرم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مسجد صخره‌ای روستای صومعه یا داش‌مچید جزو مساجد دستکند دامنه جنوبی کوهستان سه‌سهند محسوب می‌شود. مسجد فوق از لحاظ ریخت‌شناسی معماری در قالب مساجد روی سطحی (دامنه صخره) قابل گونه‌شناختی است. این مسجد در بستر صخره تراشیده شده و نمای بیرونی آن به صورت ساده و بدون هرگونه عناصر معماری و تزئینی است. فضای درونی مسجد کوچک بوده و مساحت کلی آن حدود ۲۰ متر، شامل ۵۲۰ سانتی‌متر درازا و ۳۹۵ سانتی‌متر پهناست. از ویژگی‌های

این مسجد محراب، منبر و ستون تراشیده از صخره است. در داخل این مسجد همانند سایر مساجد بحث محرمیت رعایت شده و محل‌های منفک برای زنان و مردان تعبیه شده است (تصویر ۲). مسجد دستکند قشلاق، یکی دیگر از مساجد صخره‌ای مراغه است. این مسجد صخره‌ای در زبان محلی با نام «کوه‌لومچید» شناخته می‌شود (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۳). ابعاد اثر صخره‌ای مذکور ۱۰ متر درازا و ۸ متر پهناست. نقشه نیایشگاه به صورت چلیپا بوده که از این نظر قابل مقایسه با نقشه معبد صخره‌ای داش کسن زنجان است. در سطح دیواره این نیایشگاه سه کنج، طاقچه و محرابی رو به سمت غرب ایجاد شده است؛ که از این منظر با ماهیت عملکردی محراب‌های اسلامی متفاوت است. این نیایشگاه در دوره ایلخانی برای پیروان ادیان غیراسلامی (مسیحیت و بودایی) ساکن مراغه ایجاد شده که به نظر می‌رسد در دوره اصلاحات دینی غازان خان به مسجد تغییر کاربری داده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۸)، (تصویر ۲).



تصویر ۲. (راست) کوه‌لومچید، (چپ) داش‌مچید (نگارندگان، ۱۳۹۸).

معماری صخره‌ای با ماهیت خانقاه

معماری صخره‌ای و نیایشگاه غاری در بین پیروان دین مبین اسلام جایگاهی خاصی دارد. باتوجه به این‌که پیامبر اسلام ﷺ در غار حرا مبعوث شد، از این‌رو غارها در بین پیروان دین اسلام اهمیت فراوانی دارد؛ به طوری که صوفیان به کوه‌نشینی علاقه زیادی داشته‌اند و فرقه‌ای اشکفتیه در غارها و شکاف کوه‌ها زندگی می‌کردند. «شاه نعمت‌الله ولی» مدتی در غار عاشقان سمرقند و «ابن باکویه شیرازی» مدتی در غار کوهی نزدیک شیراز به ریاضت پرداختند. راجع به کوه‌نشینی صوفیان ایرانی، می‌توان احتمال داد که تعدادی از آرامگاه‌های موجود در برخی از کوه‌ها که به نام امام‌زادگان موسوم و مشهورند، در گذشته، جایگاه پیران بوده که پس از مرگ، توسط مردم معاصرشان، آرامگاهی بر بالای تربت آنان ساخته شده است (کیانی، ۱۳۶۹: ۸۷-۸۵). نیایشگاه دستکند امام‌زاده معصوم در گذشته جایگاه مشایخ و صوفیان منطقه بوده که با دفن «مُلامعصوم مراغه‌ای» در این مکان، تبدیل به اولیاء و مکان مورد تقدس مردم منطقه گردید. این مکان مقدس قبل از دوره «غازان خان»، نیایشگاه بودایی بوده (ستارنژاد و همکاران، بی‌تا) که در دوره اصلاحات مذهبی غازان خان تبدیل به خانقاه شده است (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۲). گرایش غازان خان به اسلام و حمایت گسترده وزیرش «رشیدالدین فضل‌الله» از مشایخ صوفی، فصل نوینی را در گسترش تصوف گشود. در ایام دولت غازان خان که مرید «شیخ زاهد گیلانی» بود (ابن‌بزاز، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۹) و به موجب فرمان او، در روستاهای آذربایجان خانقاه‌هایی ایجاد شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۱۸۹)، در مراغه، اردبیل و خلخال «شیخ صفی‌الدین اردبیلی» و یارانش بساط ارشاد گسترده و مریدان یا سرسپردگی کامل به مرشدان و پیران خود اقتداء می‌کردند. بازرگانان و طبقات متوسط شهرها عموماً مرید شیخ صفی و سایر شیوخ شده و صوفی شدن و نام صوفی داشتن افتخار و امتیاز بوده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۴). مراغه در قرون میانی اسلام دارای خانقاه‌های زیادی بوده (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۴۱) که خانقاه

روستای ورجوی^۲ (وَرانوی) همانند خانقاه قدمگاه آذرشهر با عنوان مهم‌ترین خانقاه‌های صخره‌ای شمال غرب ایران بوده که در قرون میانی اسلام شکل گرفته است.

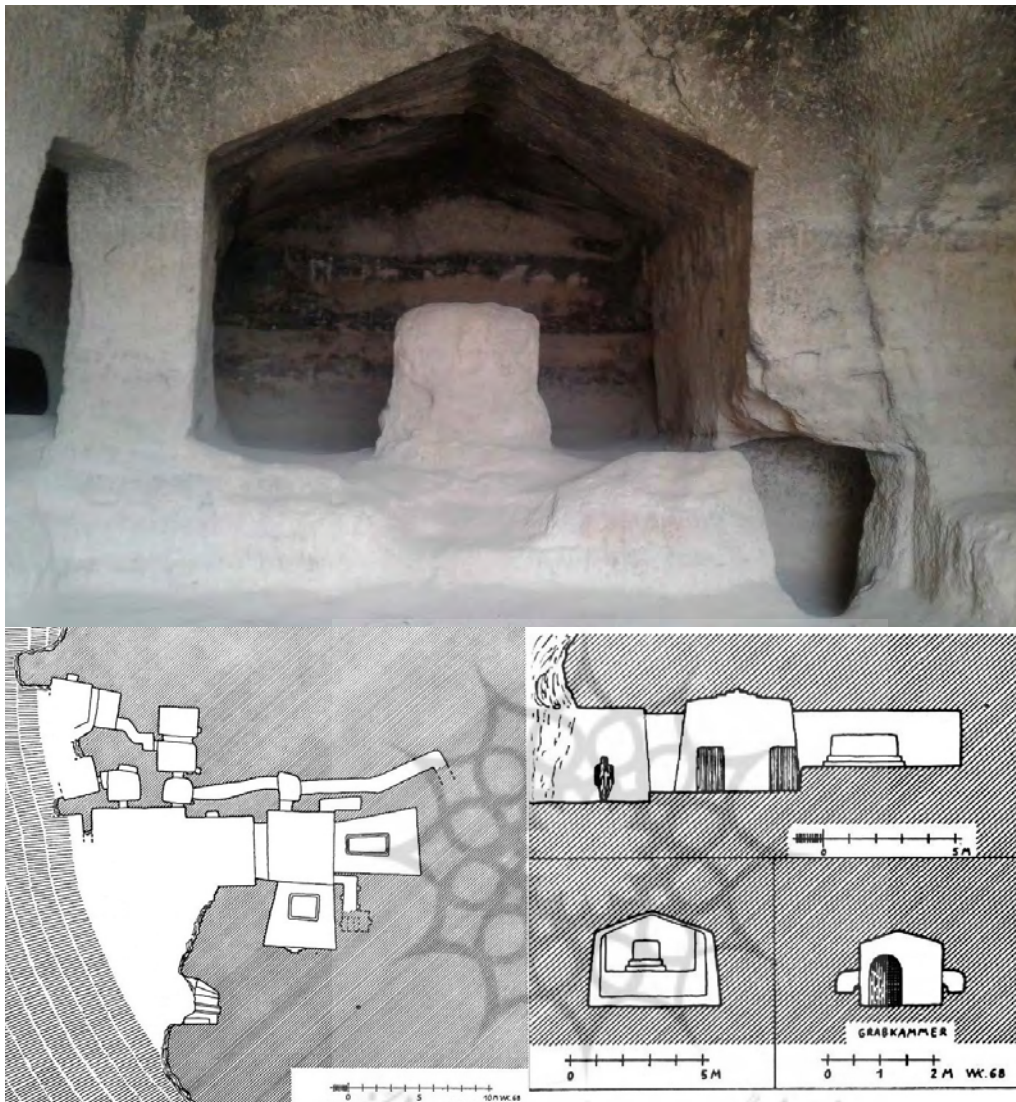
خانقاه ورجوی دارای کتیبه‌ای قرآنی است که مضمون کتیبه اشاره به تحولات مذهبی دوره ایلخانی دارد (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۳). از ویژگی‌های این خانقاه، داشتن فضاهایی با عنوان «چله‌خانه» یا «محل اعتکاف» است. خانقاه ورجوی امروزه در ایام محرم مورد استفاده اهالی روستای ورجوی قرار می‌گیرد و اهمیت و نقش آئینی-مذهبی خود را حفظ کرده است. خانقاه‌های شهرستان مراغه در سده‌های بعد نام امامزاده و اولیاء به خود گرفته و دارای قبرستان‌های تاریخی هستند؛ از جمله خانقاه ورجوی که بعدها با عنوان امامزاده یا اولیای ملامصوم مراغه‌ای شناخته شده و قبرستان تاریخی در مجاور آن شکل گرفته است (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۰)، (تصویر ۳).



تصویر ۳. مقبره امامزاده معصوم ورجوی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

معماری صخره‌ای با ماهیت کلیسا

در دنیای مسیحیت، حفر عبادتگاه در داخل صخره‌ها، به خصوص در مناطق غرب آسیا که مهد گسترش مسیحیت محسوب می‌شود، متداول بوده است (هوسپیان، ۱۳۹۳: ۲۰۵). در منطقه کاپادوکیه ترکیه (Öztürk, 2010)، ارمنستان و گرجستان (جوادی، ۱۳۹۳) تعدادی کلیسای صخره‌ای در دل کوه‌ها باقی مانده است. این کلیساهای صخره‌ای عمدتاً در نقشه، متفاوت از هم بوده‌اند و از قسمت‌های مختلفی از قبیل تونل، سکو، اتاقک‌های عبادت و ریاضت راهبان و محراب تشکیل شده‌اند. در ساختار مذهبی جامعه مراغه عصر ایلخانی به دلیل وجود اقلیت‌های مذهبی همچون مسیحیان آشوری، مغول و ترک، لزوم ایجاد فضاهای آئینی-مذهبی مرتبط با آئین مسیحیت در این شهر احساس می‌شد؛ بر همین اساس در دامنه غربی تپه رصدخانه به دستور هولاکو، کلیسایی ایجاد شد (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). این کلیسای صخره‌ای که به عنوان بزرگ‌ترین کلیسای دستکند ایران محسوب می‌شود، از قسمت‌های مختلف همچون فضاهای تدفینی، آئینی و مسکونی تشکیل شده است (تصویر ۴). از ویژگی‌های این نیایشگاه، داشتن سکوی صخره‌ای مستطیل شکل آن است (Ball, 1976 : 137-138) که در راستای انجام مراسم نیایش کاربرد داشته است. همچنین دیواره قسمت اصلی نیایشگاه با طاقچه‌های مستطیل شکل آراسته شده که نمونه‌های مشابه آن را در کلیساهای صخره‌ای کاپادوکیه می‌توان مشاهده نمود. محراب سنگی (Kleiss, 1969 : 51) که قسمت فوقانی آن مقرنس‌کاری شده، از زیبایی‌های این کلیسای دستکند است. این کلیسا از نظر فرم و نقشه شباهت زیادی به کلیساهای منطقه کاپادوکیه ترکیه دارد. اشارات موجود در سفرنامه‌های تاریخی به این مجموعه، مهم‌ترین وجه تمایز آن با سایر فضاهایی آئینی-مذهبی منطقه است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷). کلیسای صخره‌ای رصدخانه تا دوره قاجاریه مورد استفاده بوده که به تدریج از رونق افتاده است.



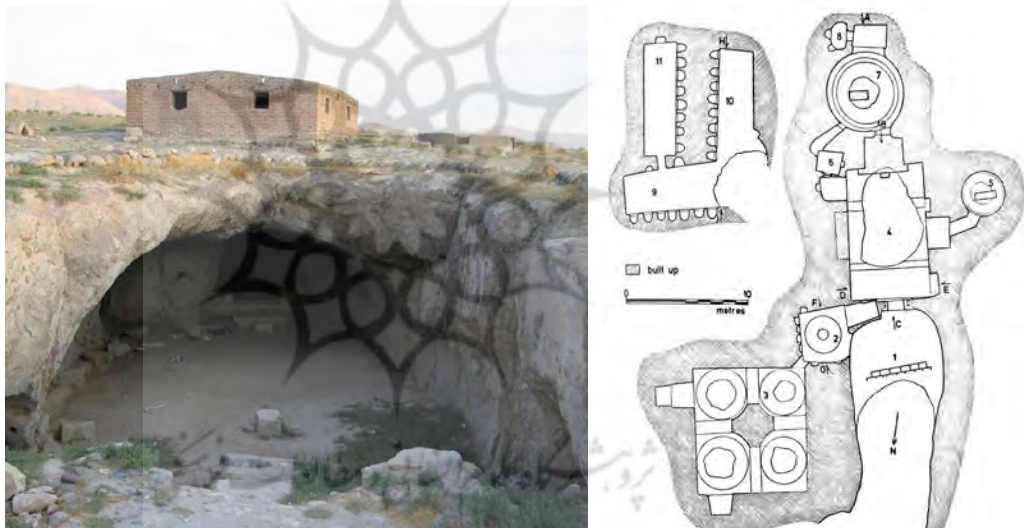
تصویر ۴. کلیسای صخره‌ای تپه زردخانه مراغه (Kleiss, 1969: 51).

معماری صخره‌ای با ماهیت معبد بودایی

بخش وسیعی از معماری صخره‌ای شامل معابد صخره‌ای در قالب نیایشگاه‌های غاری است (Davies & Jokiniemi, 2008: 316). معابد غاری یکی از متداول‌ترین سبک نیایشگاه‌های آئین بودایی است (Higuchi & Barnes, 1995). امروزه تعداد زیادی از غارهای بودایی در افغانستان، هندوستان، چین و سایر مناطق کشف و شناسایی شده که در ایران نیز معبد داش‌کسن زنجان (Scarcia, 1975)، با عنوان نیایشگاه بودایی مطرح شده است. دلیل شکل‌گیری معابد بودایی در ایران را بایستی در تحولات سیاسی-مذهبی دوره ایلخانی جست‌وجو نمود.

در دوره ایلخانی گروهی از مغولان به دین بودایی گرایش داشتند و معابد بودایی در سراسر ایران پراکنده بوده است (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۸۷). هلاکوخان دستور ساخت بتخانه‌هایی در خوی را داده بود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۲/۱۰۴۸). این تمایل به دین بودا زمینه مناسبی برای گسترش این آئین را در ایران فراهم کرد؛ به طوری که در اندک زمانی، سیل کارگزاران مشاوران و راهبان بودایی از چین، تبت، سرزمین ایغور و حتی هند به ایران سرازیر شد. نفوذ این دین در غرب ایران جلوه بیشتری پیدا کرد و مراغه، خوی، آران مکان‌های مناسب برای معابد و بتکده‌های

آن‌ها گردید (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۷۵)؛ بنابراین به دلیل وجود بودائیان در مجموعه علمی رصدخانه (رشیدالدین فضل‌الله، ۲/۱۳۷۳: ۱۱۷۶)، شاهد برپایی اقامتگاه‌های بودایی در این شهر هستیم (Morgan, 2014: 66). نیایشگاه امامزاده معصوم با عنوان یکی از پرستشگاه‌های بودایی در دوره ایلخانی در جنوب شهر مراغه ایجاد شده است (ستارنژاد و همکاران، بی‌تا)، (تصویر ۵). این نیایشگاه در بستر صخره‌ای تراشیده شده و کار تراش فضاهای این مجموعه ناتمام باقی مانده است. از ویژگی‌های این مجموعه آئینی-مذهبی، می‌توان به داشتن فضاهای متعدد، قسمت شاه‌نشین و ستون مرکزی اشاره کرد. به نظر می‌رسد هرکدام از این قسمت‌ها به منظور اجرای مراسمات خاص مرتبط با باورهای بودایی ایجاد شده است. این نیایشگاه فاقد پنجره بوده و روشنایی داخل آن به وسیله منافذهای ایجادشده در سقف فضاها تأمین می‌شد. سطح دیواره‌ها با ملات گچ و آهک به همراه پرکننده پودرسنگ، توف، خاکستر و همچنین الیاف گیاهی پوشش داده شده است (رازانی و حمزوی، ۱۳۹۷: ۱). این مجموعه دستکند در دوره اصلاحات مذهبی غازان به تاریخ ۶۹۵ ه.ق. تغییر کاربری داده و با عنوان خانقاه مجدد مورد استفاده قرار گرفته است (ستارنژاد و همکاران، بی‌تا). مجموعه دستکند امامزاده معصوم در دوره‌های بعدی ماهیت مذهبی خود را حفظ نموده و با اسامی‌ای همچون اولیاء و امامزاده ملامعصوم به موجودیت آئینی خود ادامه داده است.



تصویر ۵. نیایشگاه ملامعصوم یا معبد ورجوی (Ball, 1979: 331-333).

معماری صخره‌ای با ماهیت نیایشگاه روباز

گونه خاصی از فضاهای آئینی-مذهبی در منطقه مراغه در قالب نیایشگاه روباز در دامنه کوه ایجاد شده است. این فضا در روستای ورجوی شهرستان مراغه و دامنه کوه ساری‌قیه قرار دارد. یکی از جالب‌ترین نمونه‌های فضاهای صخره‌ای این محوطه، محرابی در کمرکش کوه است. در دامنه شیب کوه سه عدد پله با فرم نامتقارن به منظور دسترسی به محراب ایجاد شده که سطح پله‌ها بسیار ناهموار بوده و به احتمال کار تراش آن ناتمام باقی مانده است. محراب صخره‌ای در ارتفاع حدود ۸۰ متری از بستر رودخانه و قسمت عمودی صخره کوه ایجاد شده است. محراب به ارتفاع ۱۰۹، عرض ۷۰ و عمق ۳۰ سانتی‌متر تراشیده شده و فاقد هرگونه عناصر تزئینی و کتیبه است (ستارنژاد و پروین، ۱۳۹۷: ۱۵)، (تصویر ۶). باتوجه به وسعت نسبتاً زیاد آثار دستکند در این محدوده و ناتمام بودن کار تراش آن‌ها به نظر می‌رسد این مجموعه همانند پرستشگاه امامزاده معصوم نیمه تمام باقی مانده و احتمالاً مورد استفاده نیز قرار نگرفته است. باتوجه به نزدیکی این



تصویر ۶. فضای صخره‌ای آئینی-دینی روباز محوطه پیرهاشم (نگارندگان، ۱۳۹۸).

محوطه به فضای دستکند امامزاده معصوم، هم‌دوره بودن این دو فضا مطرح است؛ و بر همین اساس این فضای آئینی-مذهبی در راستای سیاست‌های دینی ایلخانیان ایجاد شده است. در مطالعات معماری دستکند شهرستان مراغه، در روستای کرمجوان، یک نمونه معماری صخره‌ای در قالب زیرسطحی شناسایی گردید. مجموعه دستکند در بستر آهکی ایجاد شده و به مرور زمان دهانه ورودی آن مسدود شده است؛ بنابراین تنها از طریق منفذ ایجاد شده در سقف یکی از فضاها، امکان ورود به داخل مجموعه امکان پذیر است. شباهت ظاهری قسمت ورودی مجموعه به چاه باعث شده تا مردم محلی این مجموعه را با نام «بندی قویو» به معنای «هفت چاه» نام‌گذاری کنند. مجموعه به صورت فضاهای تودرتو ایجاد شده است، که به دلیل انباشت خاک حاصل از عوامل انسانی و طبیعی شناسایی کامل فضاهای مجموعه امکان پذیر نیست. بحث قطعی درباره ماهیت کاربری مجموعه، مستلزم کاوش باستان‌شناختی جهت خواناسازی فضاهای دستکند است؛ با این حال به دلیل داشتن محراب، شباهت نسبی پوشش سقف مجموعه، فرم دهانه‌های ورودی فضاهای داخلی به نیایشگاه امامزاده معصوم و شکل‌گیری گورستان اسلامی بر روی محوطه، احتمالاً این مجموعه کاربری نیایشگاهی داشته است (تصویر ۷).

معماری صخره‌ای با ماهیت تدفینی

گوردخمه: گوردخمه به آرامگاه‌های سنگی گفته می‌شود که از سنگ و عمدتاً در سینه کوه بر صخره تراشیده می‌شده است (حاتم، ۱۳۸۱: ۱۰۶). در هزاره اول قبل از میلاد در منطقه شاهد استفاده تقریباً گسترده از معماری صخره‌ای برای ساخت آرامگاهی هستیم. نخستین نمونه از آرامگاه‌های صخره‌ای یادمانی ایجاد شده در داخل سنگ به وسیله برش سنگ، در آناتولی در دوره فریگی‌ها و اورارتوها مشاهده شده است (Berndt Ersoz, 2006: 153-157)؛ بعد از آن، این سنت به طور گسترده‌ای در فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر استفاده شد. این‌که این سنت در آناتولی به صورت مستقل تکوین شده یا در اثر روابط با غرب شکل گرفته، هنوز روشن نشده است (207: Konyar, 2011). به نظر می‌رسد گوردخمه‌سازی در ایران نیز ریشه در سنت اورارتویی داشته باشد (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۲۵-۳۲۴). گوردخمه گویچه قلعه از جمله گوردخمه‌های مهم شمال غرب منسوب به اورارتو و خراج‌گذاران آن‌هاست (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۳: Kleiss, 1973). این



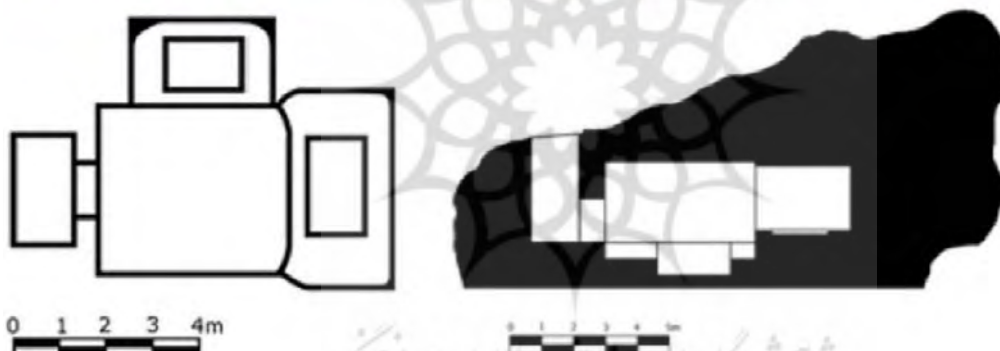
تصویر ۷. قسمتی از فضای دستکند محوطه یئدی قویو کرمجوان (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گوردخمه، در قسمت شمال شرقی متمایل به مرکز قلعه و در داخل حصار قلعه، یعنی در مکانی که به بهترین وجه می‌توانسته‌اند از آن محافظت نمایند، ایجاد شده است. دسترسی به گوردخمه همانند نمونه‌های اورارتویی از طریق دو مجموعه پلکان سنگی امکان‌پذیر است (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۳). گوردخمه تراشیده‌شده از دو بخش ورودی و محل تدفین تشکیل شده است (تصویر ۸)؛ ویژگی دیگر این گوردخمه، داشتن پلکان سنگی است. به نظر می‌رسد استفاده از پلکان در نمای گوردخمه‌های اورارتویی علاوه بر دسترسی به داخل مقابر، احتمالاً نقش روحانی داشته است (اصغریپورسارویی و حاتم، ۱۳۹۰: ۷۱).

قبور صخره‌ای: قبور دستکند صخره‌ای گونه دیگری از فضاهای دستکند تدفینی است؛ این قبور در داخل صخره‌های نسبتاً سست ایجاد شده و سطح آن‌را با لایه‌ای از خاک پوشانده‌اند. نمونه‌های از این قبور در مجاور کلیسای صخره‌ای رصدخانه (ستارنژاد، ۱۳۹۷: ۸۳)، محوطه پیرهاشم (ستارنژاد و پروین، ۱۳۹۷: ۱۹-۱۸) و قبرستان تاریخی روستای ورجوی می‌توان مشاهده کرد. قبور دستکند تپه رصدخانه متعلق به مسیحیان آشوری بوده و شباهت زیادی به قبور مسیحیان منطقه کاپادوکیه ترکیه (Öztürk, 2010: 319) دارد. ویژگی کلی این قبور، داشتن اتاقک تدفین و پله در دیواره، جهت قراردادن سنگ درپوش قبر است. در قبور دستکند محوطه پیرهاشم که در حفاری غیرمجاز شناسایی شده‌اند، استخوان‌های انسانی در اطراف قبور پراکنده شده است. این قبور به‌طور کلی در راستای شرقی-غربی ایجاد شده‌اند. مجموعه در نیمه غربی بوده و صورت رو به سمت جنوب قرار گرفته است. باتوجه به حالت قرارگیری اسکلت و مجموعه به نظر می‌رسد این قبور متعلق به مسلمان‌های ساکن منطقه باشد (تصویر ۹).

نتیجه‌گیری

معماری دستکند گونه خاصی از معماری است که انسان جهت سازگاری با محیط پیرامون خود آن‌را ایجاد کرده است. در سرزمین پهناور ایران به دلیل تنوع اقلیمی، آئینی و فرهنگی می‌توان در مناطق مختلف آن، آثار از این نوع معماری را مشاهده کرد. یکی از علل مهم تمایل انسان در مکاتب مختلف بر معماری صخره‌ای، ساختار دینی و مذهبی جامعه بود که روی آوردن به صخره‌ها و کوهستان‌ها را ایجاب می‌نمود. در این بین فضاهای دستکند آئینی-مذهبی شهرستان مراغه



تصویر ۸. گوردخمه گوئیجه قلعه (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۳).



تصویر ۹. راست: قبور دستکند مسیحیان منطقه کاپادوکیه (Öztürk, 2010 : 319)، چپ: قبور دستکند تپه رصدخانه مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جلوه‌ای از حیات معنوی و معرفت فرهنگی ساکنان این منطقه بوده است. این فضاها جایگاه خاصی در تمامی باورهای ساکنان منطقه داشته است؛ که همین امر سبب شده تا عناصر تزئینی، معماری و موقعیت مکانی خاص این فضاها متمایز از سایر آثار صخره‌ای گردد. پیرو آنچه در متن مقاله بدان پرداخته شده است، نتایج مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی فضاهای دستکند، نشان از تأثیر ساختارهای دینی و مذهبی جامعه مراغه در شکل‌گیری برخی این فضاها داشته است. به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص منطقه مراغه در طول تاریخ شاهد زیست اقوام مختلف و باورهای مذهبی خاص هستیم؛ از این منظر فضاهای آئینی-مذهبی منطقه در دوران پیش از اسلام در قالب فضاهای دستکند تدفینی (گوردخمه) شکل گرفته و در دوره اسلامی عمدتاً به صورت فضاهای دستکند نیایشگاهی در بستر صخره تراشیده شده‌اند.

در قرون میانی اسلامی به‌ویژه دوره ایلخانی، مراغه کانون باورهای متنوع بوده و همین عامل زمینه‌ساز شکل‌گیری فضاهای آئینی-مذهبی پیروان بودایی، مسیحی و اسلامی شده است؛ از این منظر شهرستان مراغه به خصوص حاشیه رودخانه صوفی‌چای از جمله کانون‌های زنده، فعال، غنی سنت و میراث دستکند آئینی است. بر همین اساس بیشتر فضاهای نیایشگاهی مورد مطالعه، جلوه ملموس، عینی و واقعی از تداوم فرهنگی-مذهبی و حیات معنوی مردمان این منطقه از دوره ایلخانی بوده و امروزه نیز برخی از این اماکن جایگاه قدسی و آئینی خود را حفظ نموده‌اند.

پی‌نوشت

۱. در زبان ترکی به معنای «مسجد سنگی» است.
۲. خانقاه ورجوی در اصل موسوم به «نیایشگاه امامزاده ملامعصوم» بوده که در دهه‌های اخیر به اشتباه با نام «معبد مهر» معرفی شده است.

3. Yeddi Quyu

کتابنامه

- ابراهیمی، نجمه، (۱۳۹۳). «روش‌های تدفین در حوضه رود گراز آغاز دوره تاریخی تا ورود اسلام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه یزد (منتشر نشده).
- ابن‌بزاز، درویش‌توکل بن اسماعیل بن حاجی توکلی اردبیلی، (۱۳۷۷). اساس المواهب السنیة فی مناصب الصوفیة یا صفوت الصفا. به تصحیح: غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: زریاب.
- اشیپولر، برتولد، (۱۳۶۸). تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشرفی، مهناز، (۱۳۹۰). «پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دستکند». نامه معماری و شهرسازی، شماره ۷، صص: ۲۵-۴۷.
- اصغریپورسارویی، سمیرا؛ و حاتم، غلامعلی، (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی گوردخمه‌های ماد و اورارتو». نشریه هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال ۴، شماره ۸، صص: ۶۵-۷۲.
- باصفا، حسن؛ داوری، محمدصادق؛ و رضایی، محمدحسین، (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل کاربری فضاهای دستکند حاشیه آبگرم ورتون استان اصفهان». مجله باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص: ۳۷-۴۸.
- بیانی، شیرین، (۱۳۷۱). دین و دولت در ایران عهد مغول. تهران: نشر دانشگاهی.
- جواد، مهرداد، (۱۳۹۳). «صومعه گیگارد». مجموعه مقالات نخستین همایش معماری دستکند، کرمان: پژوهشکده میراث فرهنگی.
- حاتم، غلامعلی، (۱۳۸۱). «گوردخمه‌ها در دوران ماد». فصلنامه هنر، شماره ۵۲، صص: ۱۱۸-۱۰۶.

- خاماچی، بهروز، (۱۳۷۰). جغرافیای استان آذربایجان شرقی. تبریز: سروش.
- خواندمیر، (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر. جلد ۳، تصحیح: محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- رازانی، مهدی؛ و حمزوی، یاسر، (۱۳۹۷). «ساختارشناسی ملاحظاتی تاریخی در آرایه‌های معماری و اندود داخلی معبد صخره‌ای مراغه». پژوهش باستان‌سنجی، سال ۲، شماره ۲، صص: ۱-۱۵.
- رازانی، مهدی؛ امین‌امامی، سیدمحمد؛ و باغبان، علیرضا، (۱۳۹۵). «طبقه‌بندی و تحلیل کاربرد معماری صخره‌ای در دامنه کوه آتش‌فشانی سهند در شمال غرب ایران». پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۶، شماره ۲، صص: ۴۱-۶۰.
- رشیدالدین فضل‌الله، (۱۳۷۳). جامع‌التواریخ. جلد ۲، به‌کوشش: بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- زهبری، زهره؛ علیزاده، فاطمه؛ و علمداری، کوروش، (۱۳۹۳). «معرفی آثار صخره‌ای نویافته با کاربری تدفینی از بویراحمد». مجله جلوه هنر، شماره ۱۱، صص: ۵۳-۶۵.
- ستارنژاد، سعید، (۱۳۹۵). «مطالعه و بررسی معماری دستکند مراغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق‌اردبیلی (منتشر نشده).
- ستارنژاد، سعید؛ و پروین، صمد، (۱۳۹۷). «معرفی، گاه‌نگاری و تعیین عملکرد معماری صخره‌ای پیرهاشم روستای ورجوی مراغه». دوفصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناخت، شماره ۶، دوره ۴، صص: ۲۵-۷.
- ستارنژاد، سعید؛ شهبازی شیران، حبیب؛ و معروفی‌اقدم، اسماعیل، (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل ماهیت کاربردی معماری صخره‌ای تپه زصدخانه مراغه». پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۷، شماره ۲، صص: ۵۷-۷۴.
- ستارنژاد، سعید؛ معروفی‌اقدم اسماعیل؛ و حسنلو، مهدی، (۱۳۹۸). «نیایشگاه صخره‌ای روستای قشلاق مراغه معبدی بودایی-مسیحی یا مسجدی اسلامی». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۷، سال ۳، صص: ۱۹۱-۱۷۷.
- ستارنژاد، سعید؛ ناصری صومعه، حسین؛ و معروفی‌اقدم، اسماعیل، (بی‌تا). «بررسی و تحلیل ماهیت کاربردی معماری دستکند امام‌زاده معصوم شهرستان مراغه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، (منتشر نشده).
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۵۵). راهنمای باستانی جزیره خارک. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- قزوینی، ذکریا بن محمد، (۱۳۷۳). آثار العباد اخبار البلاد. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۳). «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه، حرفی دیگر درباره ساختمان چند خانقاه و مسجد». مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۲، صص: ۱۶۳-۱۴۰.
- کیانی، محسن، (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، (۱۳۹۵). «مطالعه و بررسی معماری دستکند ایران». مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، صص: ۹۷-۱۱۰.
- مرادی‌نوروزی، نورالله، (۱۳۹۲). «تحلیل باستان‌شناختی هنر صخره‌ای الیماییان». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- مروارید، یونس، (۱۳۶۰). افزاره رود. تهران: اوحدی.
- ملازاده، کاظم، (۱۳۸۳). «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- ناصری صومعه، حسین؛ پاشایی، علیرضا؛ و سعادت، محسن، (۱۳۹۳). «معرفی و بررسی

- باستان‌شناختی گورهای گویجه‌قلعه مراغه». مجله پیام باستان‌شناس، سال ۱۱، شماره ۲۲، صص: ۳۳-۴۶.
- ناصری صومعه، حسین؛ فیروزمندی شیره‌جینی، بهمن؛ و سعادت‌ی، محسن، (۱۳۹۴). «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی گویجه‌قلعه مراغه». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۱، صص: ۱۶۵-۱۴۷.
- هوسپیان، شاهین، (۱۳۹۳). «کلیساهای صخره‌ای ارمنستان». نشریه پیمان، سال ۱۸، شماره ۶۷، صص: ۲۳۰-۲۰۵.
- هوشان، چائو، (۱۳۷۳). «باز پژوهشی نیایشگاه‌های مغاره‌ای مانویان در تورفان»، ترجمه احمد حب‌علی موجانی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۸، شماره ۱۵، صص: ۴۸-۵۴.
- هیلن براند، رابرت، (۱۳۸۰). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.
- Ball, W., (1979). "The Imamzadeh Masum at Vardjovi: A Rock-Cut Il-khanid Complex near Maragheh". *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, NO. 12, Pp: 329-340.
- Berndt-Ersöz, S., (2006). *Phrygian rock-cut shrines: structure, function, and cult practice*. Brill.
- Davies, N. & Jokiniemi, E., (2008). *Dictionary of architecture and building construction*. Routledge.
- Emge, A., (1992). "Old Order in New Space: Change in the Troglodytes' Life". In: *Cappadocia. Traditional dwellings and settlements working paper series*. Center for environment design research: University of California.
- Higuchi, T. & Barnes, G., (1995). "Bamiyan: Buddhist cave temples in Afghanistan". *World Archaeology*, 27(2), Pp: 282-302.
- Kleiss, W., (1969). "Bericht über zwei Erkundungsfahrten in Nordwest-Iran". *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, No. 2, Pp: 7-119.
- Kleiss, W., (1973). "Bericht über Erkundungsfahrten in Iran im Jahre 1971". *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, NO. 5, Pp: 132-242.
- Konyar, E., (2011). "Urartu Mezar Tipleri ve Gümü Adetleri". (Tomb Types and Burial Traditions) In: *URARTU: Doğuda Değişim-Transformation in the East, İstanbul*, Pp: 206-231.
- Morgan, D., (2014). *Medieval Persia 1040-1797*. Routledge.
- Öztürk, F. G., (2010). "A Comparative Architectural Investigation of the Middle Byzantine Courtyard Complexes in Açıksaray-Cappadocia: Questions of Monastic and Secular Settlement". Unpublished Ph.D. Dissertation, Middle East Technical University, Ankara.
- Scarcia, G., (1975). "The "Vihār" of Qonqor-olong Preliminary Report". *East and West*, 25(1/2), pp: 99-104.
- Van Hulsteyn, Y., (1981). *Urartian built and rock-cut tombs*. Bryn Mawr College.